

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه یزد

دانشکده زبان و ادبیات

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

زبان و ادبیات فارسی

بررسی تأثیر عناصر سبک خراسانی

بر قصیده های سروش اصفهانی

استادان راهنما:

دکتر محمد کاظم کهدویی - دکتر محمد رضا نجاریان

استاد مشاور:

دکتر محمد حسین دهقانی فیروز آبادی

پژوهش و نگارش:

فاطمه عابدینی

شهریورماه ۱۳۹۰

تقدیم بہ

اسطوره می صبر و ایثار،

پدر بزرگوارم،

فرشتہ می پاکی و مہر

مادر مہربانم،

زیباترین زمرمہ می زلال عشق

ہمسر عزیزم

و ہمہ می کسانی کہ دوستان دارم.

## سپاس نامه

آفرین و سپاس به درگاه پروردگار بی همتا، حکیمی که گوهر خرد را در وجود انسان به ودیعه نهاد تا آن را در راه کسب معرفت و تقرّب به آفریننده اش به کار گیرد. پروردگار مهربانم را شاکرم که این توفیق را به من ارزانی داشت تا دو سال در کنار استادان بزرگوار و فرهیخته دانشگاه یزد مسیر پر فروغ دانایی را طی کنم و در این راه، صبوری را از کویر بیاموزم و مس وجود خود را در کوره راه ناملایمات کیمیا کنم.

مرهون و سپاسگزار لطف پدر بزرگوارم هستم که نهال عشق به فرهنگ و ادب پارسی را از خردسالی در وجودم نشانند و همسر مهربانم که یاور من در راه کسب دانایی بوده است.

از استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر محمد کاظم کهدویی که در آغاز، راهنمایی این پژوهش را بر عهده گرفته، با صبر و مهربانی مرا در راه کسب علم و پژوهش یاری نمودند قدردانی می کنم. سپاسگزارم از استاد گرانقدر جناب آقای دکتر محمد رضا نجاریان که در میانه راه، مشعل هدایت مرا در دست گرفته، با تمام وجود یاور من این راه بودند و اگر لطف و راهنمایی های ارزنده ایشان نبود این رساله به انجام نمی رسید. سپاسگزارم از استاد بزرگوار، جناب آقای دکتر محمد حسین دهقانی فیروزآبادی که زحمت مشاوره این پژوهش را بر عهده گرفته و با راهنمایی های ارزنده و نکته سنجی های خود مرا در تدوین این رساله یاری نمودند .

امیدوارم که این رساله مورد قبول اساتید بزرگوار و علاقه مندان به فرهنگ و ادب فارسی

قرار گیرد.

## چکیده

میرزا محمد علی خان سدهی اصفهانی، متخلص به سروش (۱۲۸۵-۱۲۲۸ ه.ق)، از شاعران بنام دوره بازگشت ادبی است؛ که قصایدش تقلیدی از قصیده سرایان نامی دوره غزنوی است؛ تا آنجا که به فرخی قرن سیزده ملقب شده است.

وی در قصاید خود، ریزه کاری های زبانی سبک خراسانی را به کار برده است. از ویژگی های فکری سبک خراسانی سروش می توان به بهره گیری از اسطوره های ایرانی، عشق مجازی و زمینی، واقع گرایی، روحیه شاد باشی و غنیمت شمردن دم و ... اشاره نمود.

سروش با همه تلاشش، نتوانسته بطور کامل از هر نظر قصاید خود را با ویژگی های سبک خراسانی منطبق کند. انبوه لغات عربی و سایر واژه های بیگانه در قصاید وی، نداشتن تسلط به قواعد صرف و نحو زبان فارسی و ناهماهنگی در نحو جملات، نشان دهنده این است که او صرفاً از سبک خراسانی تقلید نکرده است و رگه هایی از سبک عراقی نیز در قصاید وی دیده می شود.

**واژگان کلیدی:** سروش اصفهانی، شعر سده سیزدهم، سبک خراسانی، قصیده، عناصر سبکی.

**فصل اول: مبادی تحقیق**

۲	۱-۱- تعریف موضوع.....
۳	۲-۱- سابقه تحقیق.....
۴	۳-۱- سؤالات پژوهشی.....
۴	۴-۱- اهداف تحقیق.....
۴	۵-۱- کاربرد نتایج تحقیق.....
۵	۶-۱- روش تحقیق.....

**فصل دوم: زندگی و احوال سروش اصفهانی**

۷	۱-۲- زندگی.....
۹	۲-۲- لقب و تخلص شعری.....
۱۰	۳-۲- مذهب و عقیده.....
۱۰	۴-۲- آثار سروش اصفهانی.....

**فصل سوم: درآمدی بر سبک شناسی**

۱۳	۱-۳- سبک و انواع آن.....
۱۴	۱-۱-۳- ویژگی دوره های سبکی شعر پارسی.....
۲۵	۲-۳- سبک شناسی و زبان.....

**فصل چهارم: سبک خراسانی در قصیده های سروش اصفهانی**

۲۸	۱-۴- ویژگی های زبانی.....
۲۸	۱-۱-۴- ویژگی های آوایی.....
۴۱	۲-۱-۴- ویژگی های لغوی.....
۴۱	۱-۲-۱-۴- واژه های کهن.....
۴۶	۲-۲-۱-۴- واژه های عامیانه.....

۴۷	..... واژه های نو. ۳-۲-۱-۴
۴۸	..... واژه های بیگانه. ۴-۲-۱-۴
۷۶	..... اصطلاحات کهن. ۵-۲-۱-۴
۷۸	..... ویژگی های صرفی و نحوی. ۳-۱-۴
۷۸	..... اسم. ۱-۳-۱-۴
۸۹	..... ضمیر. ۲-۳-۱-۴
۹۱	..... صفت. ۳-۳-۱-۴
۱۰۱	..... قید. ۴-۳-۱-۴
۱۱۱	..... فعل. ۵-۳-۱-۴
۱۳۶	..... شبه جمله. ۶-۳-۱-۴
۱۳۸	..... حرف. ۷-۳-۱-۴
۱۵۷	..... جمله. ۴-۱-۴
۱۶۱	..... ویژگی های فکری. ۲-۴
۱۹۰	..... ویژگی های ادبی. ۳-۴

### فصل پنجم: موفقیت سروش اصفهانی در پیروی از سبک خراسانی

۱۹۵	..... موفقیت در تقلید. ۱-۵
۱۹۷	..... هنجار گریزی های شعری سروش اصفهانی. ۲-۵

### فصل ششم: نتیجه گیری

۲۰۵	..... نتیجه گیری
۲۰۸	..... جدول و نمودار آماری اوزان عروضی
۲۱۰	..... فهرست منابع و مأخذ

## پیشگفتار

سروش اصفهانی (۱۲۸۵-۱۳۲۸ ه.ق.) یکی از پر آوازه ترین شعرای دوره بازگشت ادبی است و این آوازه بیش از هر چیز مرهون قصایدی است که وی به سبک و سیاق بزرگترین قصیده سرایان ادب پارسی یعنی دوره خراسانی، عصر طلایی قصیده سرایی پارسی، سروده است. سروش در تقلید از قصیده سرایان نامی ایران، گوی سبقت را از هم عصرانش ربود تا جایی که به لقب «فرخی قرن سیزده»<sup>۱</sup> مفتخر شد. وی در تتبع از شیوه استادان سلف سعی می کند از هر نظر اثر خود را به نسخه اصل نزدیک کند و مهارت او در این کار تا جایی است که در بعضی قصاید خواننده را به اشتباه می اندازد که سراینده شعر سروش است یا یک شاعر دوره خراسانی.

در مورد سروش اصفهانی به جز معدودی کتب تذکره و تاریخ ادبیات و کتاب هایی که در حوزه سبک شناسی به ویژه سبک بازگشت انتشار یافته اند هیچ اثر مستقلی در زمینه نشر کتاب موجود نیست؛ اما یکی از همشهریان سروش به نام علی آقا محمدی، دین خود را به وی ادا کرده و در پایان نامه ارزنده ای که از قضای روزگار در دانشگاه یزد کار شده به نقد و تحلیل کلیات وی پرداخته است. این اثر به ویژه در بحث صنایع لفظی و بدیعی و مبحث عروض و قافیه، حق مطلب را به خوبی ادا کرده است. در پژوهشی که توسط نگارنده انجام شده است قصاید سروش را از سه دیدگاه سبک شناسی، یعنی زبانی، فکری و ادبی بررسی شده است اما در این پژوهش بیشتر بر روی سبک شناسی زبانی تأکید شده است. در مورد ویژگی های زبانی قصاید وی مطالبی در مقدمه دیوان سروش به قلم استاد همایی و بخشی از نقد و تحلیل کلیات وی نوشته شده است؛ اما به شکل کامل نیست. در زمینه سبک شناسی لغوی تا کنون کسی به طور گسترده به بررسی واژگان قصاید وی نپرداخته و تنها به اشاره مختصری در مورد بعضی واژگان کهن وی اشاره کرده اند. در این پژوهش در سبک شناسی واژه ها به بررسی واژگان کهن، واژگان نو، واژگان عامیانه و نیز واژگان بیگانه از قبیل بحث در مورد واژگان عربی به شکل گسترده، همچنین بررسی واژگان ترکی، مغولی، یونانی و رومی، عبری، هندی و... پرداخته شده است. علاوه بر آن، اصطلاحات

<sup>۱</sup> - مهدی حمیدی شیرازی، شعر در عصر قاجار، تهران: گنج کتاب، ۱۳۶۴، ص ۱۳۲.

علمی و نیز اصطلاحات دیوانی رایج در دوره غزنوی و برخی اصطلاحات گفتاری رایج در دوره خراسانی بررسی شده اند. در مبحث دستور و کاربرد زبان به بررسی مواردی از قبیل از افعال کهن، اصطلاحات کهن، ساختار نحوی جملات به طور کامل پرداخته شده است. در ادامه مطلب، به ویژگی های فکری قصاید سروش نیز به طور کامل اشاره شده است؛ اما در قسمت ویژگی های ادبی اثر به دلیل بحث کامل و بررسی همه جانبه قصاید توسط آقای آقا محمدی در نقد و تحلیل کلیات وی تنها به اشاره ای مختصر بسنده شده است. علاقه مندان به این بحث می توانند به پایان نامه مذکور مراجعه بفرمایند.

مرجع کار دیوان قصاید سروش اصفهانی است، به تصحیح دکتر محمد جعفر محبوب و مقدمه علامه گرانقدر، استاد همایی. بدیهی است که در این رساله مبنای کار بر رسم الخط کتاب بوده است؛ لذا امکان وجود اشکالات نگارشی در آن کتاب وجود دارد. در مبحث ویژگی های لغوی اثر به فرهنگ های معتبر فارسی از جمله لغتنامه دهخدا، فرهنگ معین، برهان قاطع و فرهنگ جامع شاهنامه مراجعه شده است. علاوه بر آن برای یافتن ویژگی های سبکی آن به کتب دستور زبان فارسی به ویژه دستور تاریخی زبان فارسی اثر ارزشمند دکتر پرویز ناتل خانلری و همچنین کتاب های مرتبط در زمینه سبک شناسی مراجعه شده است. در پایان نیز نمودار و جدول آماری از فراوانی بحر های عروضی در قصاید وی، ارائه شده است.

به هر حال با همه کوشش هایی که در راه به ثمر رساندن این رساله انجام شده، به طور قطع خالی از اشکال نیست:

قبا گر حریر است و گر پرنیان به ناچار حشوش بود در میان

امید است این پژوهش، مورد قبول اساتید محترم زبان و ادبیات فارسی، دانشجویان و علاقمندان به فرهنگ و ادب غنی این مرز و بوم قرار گیرد.

بر خود واجب می دانم از کلیه کسانی که در پژوهش این رساله یاری ام کرده اند به رسم ادب، سپاسگزاری کنم. در آغاز از پروردگار مهربانم که لطف بی کرانش در همه مراحل زندگی و تحصیل

همواره شامل حال این بنده ناچیز بوده سپاسگزاری می کنم. از خانواده عزیزم به ویژه همسر گرانقدرم به پاس صبر، مهربانی و دلگرمی های بی وقفه شان سپاسگزارم، از استادان فرهیخته دانشگاه یزد به ویژه استادان گرانقدر راهنمایم جناب آقای دکتر کهدویی و جناب آقای دکتر نجاریان و استاد ارجمند مشاورم جناب آقای دکتر دهقانی فیروز آبادی قدر دانی میکنم. همچنین از ریاست محترم دانشکده زبان و ادبیات، جناب آقای دکتر مهدی ملک ثابت، مدیر محترم گروه زبان و ادبیات فارسی، جناب آقای دکتر یدالله جلالی پندری و نیز از استاد فرهیخته و گرانقدر جناب آقای دکتر سید محمود الهام بخش که راهنمایی ها و لطف بی دریغشان همواره شامل حال این جانب بوده است، کمال احترام و سپاسگزاری را دارم. نیز از لطف بیکران استاد گرانقدر مجتمع آموزش عالی شهید رجایی اصفهان، سرکار خانم رنجبر که عطش علم و یادگیری را در وجود من نهادند و مشوق من در راه گام نهادن در مسیر خدمت به فرهنگ و ادب پارسی بودند، سپاسگزاری می کنم. همچنین قدر دانی می کنم از تمامی استادان گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد و مجتمع که همواره درس زندگی از ایشان آموختم و یاور من در راه پر فروغ کسب علم بودند. و نیز کمال تشکر و قدردانی را دارم از کارشناس محترم گروه زبان و ادبیات فارسی سرکار خانم مطهری نیا و مسؤول دفتر، سرکار خانم صابر و نیز کارکنان کتابخانه مجتمع علوم انسانی و کتابخانه وزیری یزد که مرا در انجام امر پژوهش یاری رساندند.

فاطمه عابدینی

شهریور ماه ۱۳۹۰

فصل اول  
مبادی تحقیق

## ۱-۱- تعریف موضوع

سبک، در اصطلاح ادبی به معنی شیوه بیان در گفتار و نوشتار است. هر سبکی دارای عناصر و ویژگی‌های زبانی، فکری و ادبی خاصی است که موجب تمایز آن از سبک‌های دیگر می‌شود. شعر فارسی، بنا بر تحولات سبکی که از قدیم‌ترین ادوار تا کنون پشت سر گذاشته، به چند دوره تقسیم می‌شود: ۱- سبک خراسانی، ۲- سبک حدّ واسط یا دوره سلجوقی، ۳- سبک عراقی، ۴- مکتب وقوع و واسوخت، ۵- سبک هندی، ۶- نهضت بازگشت ادبی، ۷- سبک دوره مشروطه، ۸- سبک نو.

بر اساس تقسیم بندی ادواری، سبک خراسانی نخستین سبک شعر فارسی است. این سبک تا قرن پنجم هجری قمری ادامه می‌یابد و بنا بر نظر دکتر محجوب، کهنگی زبان و استفاده شاعر از معلومات رایج عصر خویش در شعر، از جمله ویژگی‌های آن به شمار می‌رود. در اواخر حکومت صفویه بنا بر دلایلی از جمله ابهام زیاد و پیچیدگی در کاربرد صنایع لفظی و معنوی و راه یابی شعر به کوچه و بازار و ازدیاد شعرای کوچه بازاری، شعر فارسی رو انحطاط می‌رود. در پی این جریان، گروهی از ادیبان، احیای سبک قدما را مبنای کار خویش قرار می‌دهند و نهضت بازگشت ادبی را پایه گذاری می‌کنند. سروش اصفهانی (۱۲۸۵-۱۲۲۸.ه.ق.) از جمله شعرای بازگشت ادبی بود که پیروی از شاعران بزرگ سبک خراسانی را مبنای کار خویش ساخت و با اشعار خود توانست به مقام ملک الشعرایی در بار ناصر الدین شاه برسد. در واقع شهرت سروش بیشتر مرهون قصایدی است که به شیوه قصیده سرایان بزرگ و نامی سبک خراسانی سروده است.

در این پژوهش کوشش می‌شود به معرفی عناصر و ویژگی‌های سبک خراسانی و تحلیل و بررسی قصاید سروش اصفهانی در سه سطح زبانی، فکری و ادبی پرداخته شود و میزان تأثیر عناصر سبک خراسانی بر قصاید وی مورد ارزیابی قرار گیرد.

## ۱-۲- سابقه تحقیق

نخستین منبعی که در آن به قصاید سروش اصفهانی اشاره شده، تذکره «گنج شایگان» (۱۲۷۲هـ.ق) نوشته میرزا طاهر اصفهانی است. این تذکره که در زمان حیات سروش اصفهانی تألیف شده است، شرح حال شعری است که صدر اعظم، میرزا آقا خان نوری را مدح گفته اند. وی معانی بکر، مضامین نغز و زیبایی الفاظ را از جمله ویژگی های اشعار سروش اصفهانی به شمار می آورد ( به نقل از جلال الدین همایی، مجله یغما، شماره ۳، ص ۱۳۷). سپس رضاقلی خان هدایت ( ۱۲۸۸هـ.ق.) در «مجمع الفصحا» به تتبع وی از فرخی سیستانی و معزی اشاره کرده و شعر او را سلیس، تغزلاتش را شیرین و مدیحاتش را رنگین می داند ( بخش اول از جلد دوم، ص ۵۸۰). سید احمد دیوان بیگی (۱۲۹۶هـ.ق.) نیز در در «حدیقه الشعرا» او را استادی مسلّم و ماهر در فنون ادبی می داند (جلد اول، ص ۷۶۸). محمد جعفر محجوب (۱۳۴۰ش) در مقدمه ای که بر دیوان وی نوشته به برخی از مختصات ادبی و صنایع لفظی و بدیعی شعر او اشاره می کند. یحیی آریان پور (۱۳۵۰ش) در کتاب «از صبا تا نیما» کوشش وی در زمینه به کار گیری مضامین و تشبیهات اصیل را سبب تکلف مفرط و ابتذال شعر وی می داند (جلد اول، ص ۸۷). مهدی حمیدی شیرازی (۱۳۶۴ش) در کتاب «شعر در عصر قاجار» وی را «فرخی قرن سیزده» می نامد (ص ۲۳۳) و عیب کار او را خالی بودن از شعرش از احساسات عالی بشری و کم بودن ابداع و ابتکار در شعرش عنوان می کند (ص ۲۳۶). محمد شمس لنگرودی (۱۳۷۲ش) در کتاب «مکتب بازگشت» به تقلیدی بودن بیش از هشتاد درصد از قصاید وی اشاره می کند و معتقد است که سروش اصفهانی همه ابزار و وسایل شاعری خود را از فرخی سیستانی و معزی و عنصری گرفته است (ص ۲۴۳). احمد خاتمی (۱۳۷۴ش) در کتاب «پژوهشی در نظم و نثر دوره بازگشت ادبی» هنر سروش اصفهانی را قصیده سرایی می داند و از جمله ایرادات شعر وی را تکرار مفاهیم عنوان می کند (صص ۳۰۸-۳۰۹). علی آقا محمدی نیز در پایان نامه ای با عنوان «نقد و تحلیل کلیات سروش اصفهانی» (۱۳۸۲ش) بخشی از کار خود را به بحث در مورد قصاید سروش اصفهانی و اشاره به برخی از ویژگی های لفظی و بررسی صناعات ادبی آن طور به

کامل، اختصاص داده است. با وجود این تا به حال هیچ گونه پژوهش مستقلی در زمینه بررسی سبک شناسانه قصاید سروش اصفهانی و تأثیر عناصر سبک خراسانی بر قصاید وی به منظور دستیابی به میزان موفقیت وی در تقلید از این سبک و عناصر سبکی برجسته قصاید وی انجام نگرفته است و این نخستین کار پژوهشی مستقل در این زمینه است که توسط نگارند انجام خواهد گرفت.

### ۱-۳- سوالات پژوهشی

- ۱- عناصر و ویژگی های بارز سبک خراسانی کدامند؟
- ۲- عناصر سبکی در قصیده های سروش اصفهانی چه ویژگی هایی دارند؟
- ۳- میزان موفقیت سروش اصفهانی در تقلید از قصاید سبک خراسانی چگونه

است؟

### ۱-۴- اهداف تحقیق

هدف از این پژوهش، نخست شناخت عناصر و ویژگی های سبک خراسانی است. بررسی ویژگی ها و عناصر سبکی در قصاید سروش اصفهانی هدف دیگر این پژوهش را تشکیل می دهد؛ همچنین بررسی میزان موفقیت سروش اصفهانی در تقلید قصاید سبک خراسانی، هدف بعدی این پژوهش است.

### ۱-۵- کاربرد نتایج تحقیق

نتایج این پژوهش می تواند مورد استفاده دانشجویان زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگران ادبی و علاقه مندان به سبک شناسی و صناعات ادبی قرار گیرد.

## ۱-۶- روش تحقیق

این پایان نامه از نوع بنیادی است که بررسی آن به شیوه تحلیلی- توصیفی و با استفاده از روش کتابخانه ای انجام شده است. بدین منظور، ابتدا قصاید سروش اصفهانی به طور کامل و دقیق مطالعه گردیده، سپس منابع مرتبط با موضوع رساله، مطالعه و بر اساس آن از قصاید وی یادداشت برداری و بر اساس طرح پایان نامه، به طبقه بندی، تحلیل و بررسی یافته ها و سر انجام، نگارش فصلها پرداخته شده است.

## فصل دوم

### زندگی و احوال سروش اصفهانی

## ۲- زندگی و احوال سروش اصفهانی

### ۱-۲- زندگی

میرزا محمدعلی خان، متخلص به «سروش»، فرزند قنبر علی سده‌ی اصفهانی است. وی در حدود سال ۱۲۲۸ (هـ.ق) در قریهٔ «سده» دیده به جهان گشود.<sup>۱</sup> این قریه، از توابع باختری اصفهان است و شامل سه ده «فروشان»، «ورنوسفادران» و «هزاران» می‌باشد.<sup>۲</sup> سروش اصفهانی آن گونه که در اشعارش اشاره کرده است از دهقان‌زادگان سده بود و خانواده‌اش مردمی فقیر و بی‌نام و نشان، اما نیاکان وی پیشکار ملوک بودند:

ولی نیای من اندر شمار اعیان بود	اگرچه خود نی ام اکنون ز جملهٔ اعیان
که شان نگاشته با لاجورد ایوان بود	مرا نیکان بودند پیشکار ملوک
که این نتیجه مر او را ز گشت کیوان بود	ز گشت کیوان لابد پدرم دهقان گشت

(دیوان، ص ۱۶۲)

برادران سروش اصفهانی در نوجوانی پس از فوت پدر، او را از خانهٔ پدری بیرون کردند. وی به خاطر ذوقی که در سرودن اشعار زیبا داشت، به راهنمایی بعضی خیرخواهان، به محضر سید شفتی که از مراجع و روحانیون بنام و اهل ذوق دوره‌ی قاجار در اصفهان بود راه یافت و مورد توجه و عنایت این سید بزرگوار قرار گرفت.<sup>۳</sup> پس از اندک زمانی، سروش نوجوان، با ذوق سرشار خود، در شعر گوی سبقت را از رقبایش ربود:

ولی ز شعرم پر مشک، روی ایوان بود	نرسته بود هنوزم به رخ خط مشکین
----------------------------------	--------------------------------

(دیوان، ص ۱۶۲)

۱- محمد جعفر محجوب، مقدمهٔ دیوان سروش اصفهانی، تهران: امیر کبیر، ۱۳۴۰، ج اول، صص ۲- ۱.

۲- علی اکبر دهخدا، لغتنامه، چاپ اول از دورهٔ جدید، تهران: دانشگاه، ۱۳۷۳، ذیل همین ماده.

۳- محمد جعفر محجوب، مقدمهٔ دیوان سروش اصفهانی، ص ۳.

سروش به دلیل فقر مالی خانواده، از راهیابی به مکتب و آموزش خط و سواد به کَلّی بی‌بهره بود تا اینکه به محضر سیّد شفتی راه یافت و این مرجع عالیقدر با مشاهده ذوق و استعداد سرشار وی، او را به کسب علم و دانش تشویق کرد و موجبات علم آموزی وی را فراهم نمود؛ در نتیجه این امر، سروش توانست به مطالعه آثار متقدمان و یادگیری فنون شاعری بپردازد؛ هر چند سوادش در حدّ خواندن و نوشتن ماند و از علوم و فنون بهره‌چندانی نبرد. سروش، حتی در پاره‌ای از موارد اشاره می‌کند که کتابت اشعار وی را شخص دیگری انجام می‌دهد:

گوینده شعرها سروش است      کاتب، پُس شـهـریار قـزویـن  
(دیوان، ص ۵۵۲)

آگاهی سروش از دانش‌های زمان خود بسیار سطحی بوده و استعداد شاعری وی هم از همان حدّ تقلید فراتر نمی‌رود و نبوغ شاعری ندارد که بتواند با این اصطلاحات علوم، به خلق مضامین نو بپردازد.

سروش از اصطلاحات واضح که بین همه رواج داشته و در شعر متقدمان هم به همان صورت دیده می‌شود استفاده کرده بدون اینکه این تلمیحات را به شیوه ادبی پیروانند و اندکی ذهن خواننده را درگیر کند. شاید دلیل آن امر، این باشد که وی به سبک خراسانی شعر می‌سروده و اشعار این سبک از ابهام و تعقید به دور هستند.

ذوق و قریحه شاعری وی از یک سو و توجهی که سیّد شفتی نسبت به او داشت سبب شد که رقبایش به وی رشک بورزند و در صدد بر آیند که وجهه او را نزد این سیّد بزرگوار از بین ببرند که البته در کار خود موفق شدند و متهم کردن سروش به بی‌دینی و لابلالی‌گری تا حدودی نظر سیّد را از وی برگرداندند:

مراחסودان برخاستند از چپ و راست      از آن قِبَل که همه کار من به سامان بود  
مطیع دیو خواندند سوی عالم شهر      خدای داند و پیغمبرش که بهتان بود  
(دیوان، ص ۱۶۲)

بنابراین، سروش به ناچار بار سفر را از اصفهان بر می‌بندد و برای کسب حشمت، راه دربار قاجار را در پیش می‌گیرد:

بدین دیار شتابیدم و شتافتنم ز بهر جستن حشمت نه از پی نان بود  
(دیوان، ص ۱۶۲)

سروش بیست و نه ساله بود که اصفهان را ترک گفت و مدتی را در قم و کاشان سپری کرد و پس از سه سال به تبریز آمد و آنجا مقیم شد. وی با کمک قهرمان میرزا و محسن میرزا که از شاهزادگان قاجار بودند، به خدمت ناصرالدین میرزا که در آن ایام ولیعهد بود، رسید و مورد توجه وی واقع شد. وی پس از وفات محمد شاه در رکاب ناصر الدین شاه به تهران آمد و جزو شاعران خاص او شد. پس از درگذشت قآنی، سروش به سمت ملک الشعراپی رسید و از شاه خطاب «خان» و لقب «شمس الشعراء» گرفت. وی سالها با سمت شاعر رسمی دربار با آسایش زندگی کرد تا در سال ۱۲۸۵ (ه. ق.) در تهران درگذشت.<sup>۱</sup>

## ۲-۲- لقب و تخلص شعری

سروش در پاره‌ای از موارد به لقب خود یعنی شمس الشعرا اشاره می‌کند:

شایسته و بایسته تو را دیدم در مدح مدح همه کس شیوه شمس الشعرا نیست  
(دیوان، ص ۷۳)

وی در قصیده‌ای که در مدح صدر اعظم، آقا خان نوری، سروده عنوان کرده که او لقب

شمس الشعرا را به سروش اعطا کرده است:

چون بنفشه فکنده بودم سر برکشیدی مرا چو سرو سمن  
لقبم شمس شاعران دادی بفزودی به نام و نعمت من  
(دیوان، ص ۴۸۱)

---

۱- محمد جعفر محجوب، مقدمه دیوان سروش اصفهانی، صص ۱۳ - ۱۰.

## ۲-۳- مذهب و عقیده

سروش بر دین و مذهب رسمی کشور یعنی اسلام و شیعه جعفری بود و به جرأت، می‌توان گفت بزرگترین شاعر در زمینه مدح و منقبت ائمه اطهار است و بیشترین تعداد اشعار در این زمینه به وی تعلق دارد.

گره‌می‌خواهی که از عرش برین سر بر کنی  
بایدت مدح امیرالمؤمنین حیدر کنی  
گر به میدان ولایش اندر آیی مرد وار  
پوشی از رحمت زره و از مغفرت مغفّر کنی

(دیوان، ص ۶۶۲)

مهر حیدر ورز و مهر یازده فرزند او  
گر طمع داری بهشت جاودانی داشتن

(دیوان، ص ۵۳۸)

## ۲-۴- آثار سروش

سروش با اینکه عمری طولانی نداشت، اما آثار زیادی از خود به یادگار گذاشت که بخش اعظم آن در مدح و رثای اهل بیت سروده شده است. این آثار عبارتند از:

۱- مثنوی موسوم به **روضه الاسرار** در مقتل و مراثی امام حسین(ع) که نخستین بار، به نام **هزار بیت سروش** به چاپ رسید.

۲- منظومه **شصت بند** در توصیف وقایع عاشورا؛ یعنی ترکیب‌بندی دارای شصت بند که حکم یک منظومه‌ی مستقل دارد.

۳- مثنوی موسوم به **اردیبهشت** به وزن شاهنامه‌ی فردوسی در سرگذشت احوال حضرت رسول(ص) و دوازده امام علیه السلام، بخصوص شرح غزوات امیرالمؤمنین(ع) که در عهد پیغمبر اتفاق افتاد.

۴- برگرداندن قسمتی از اشعار کتاب **الف لیلة و لیلة** (هزار و یک شب) به فارسی هم از سروش است و پاره‌ای از این اشعار، ترجمه اشعار عربی اصل کتاب است و بعضی را هم مناسب قصص و حکایات سروده است.